



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Regulation of Shared Water Resources in International Law

Seyed Reza Ehsanpour¹ 

Received:

06 Sep 2022

Revised:

08 Nov 2022

Accepted:

17 Nov 2022

Available Online:

22 Dec 2022

Keywords:

Shared Water Resources, International Law, 1997 Convention, Water Resource Management, Sustainability, International Treaties.

Abstract

Background and Aim: Water, as a vital resource for the survival of humans and other living organisms, has become one of the primary global challenges in the contemporary world. In light of climate change and the growing demand for water, this article examines the regulations governing shared water resources in international law. In particular, it focuses on analyzing the 1997 United Nations Convention on the management of international waters and the challenges inherent in managing shared water resources.

Materials and Methods: This is a descriptive study.

Ethical Considerations: All ethical principles governing research have been observed in the presentation of this Translation.

Findings: The study reveals that the 1997 Convention primarily concentrates on the management of the needs of riparian states, while giving insufficient attention to crucial issues such as environmental sustainability and the long-term preservation of water resources. Moreover, existing treaties among riparian states, particularly those between India and Bangladesh, lack long-term plans for improving the quality and quantity of water resources. The paper concludes that there is a critical need to shift the approach from "needs management" to "resource management".

Conclusion: The findings clearly indicate that international law must move towards sustainable water resource management. Additionally, the 1997 Convention needs revision in order to serve as a comprehensive framework for the fair and efficient use of shared water resources. It is suggested that the international community should develop new tools and mechanisms to address the challenges of managing shared water resources effectively and equitably.

1* Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, University of Shahed, Tehran, Iran.
(Corresponding Author) Email: Ehssanpour@gmail.com Phone: +989111164196

Please Cite This Article As: Ehsanpour, SR (2022). "Regulation of Shared Water Resources in International Law". *Interdisciplinary Legal Research*, 3(4): 69-79.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقاله ترجمه

(صفحات ۶۹-۷۹)

مقررات حاکم بر منابع آبی مشترک در حقوق بین‌الملل

سید رضا احسان‌پور^۱

۱. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: Ehssanpour@gmail.com

دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۷ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۵ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

چکیده

زمینه و هدف: آب به‌عنوان یک منبع حیاتی برای بقای انسان و سایر جانداران، در دنیای معاصر به یکی از چالش‌های اصلی تبدیل شده است. با توجه به تغییرات اقلیمی و رشد روزافزون نیاز به آب، این مقاله به بررسی مقررات حاکم بر منابع آبی مشترک در حقوق بین‌الملل می‌پردازد. به‌ویژه، تمرکز این تحقیق بر تحلیل کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل در خصوص مدیریت آب‌های بین‌المللی و چالش‌های موجود در مدیریت منابع آبی مشترک است.

مواد و روش‌ها: روش مطالعه و گردآوری اطلاعات و یافته‌های پژوهش اصلی، تحلیلی توصیفی بوده است.

ملاحظات اخلاقی: کلیه اصول اخلاقی حاکم در پژوهش، در ترجمه این مقاله رعایت شده است.

یافته‌ها: مطالعه انجام‌شده نشان می‌دهد که کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل در زمینه آبراهه‌های بین‌المللی بیشتر بر مدیریت نیازهای کشورهای ساحلی متمرکز است و به موضوعات مهمی چون زیست‌محیطی بودن و پایداری منابع آبی توجه کافی ندارد. همچنین، معاهدات موجود بین کشورهای ساحلی، به‌ویژه در مورد هند و بنگلادش، فاقد برنامه‌های بلندمدت برای بهبود کیفیت و کمیت منابع آبی هستند. این مقاله همچنین بیان می‌کند که نیاز به تغییر رویکرد از «مدیریت نیازها» به «مدیریت منابع» احساس می‌شود.

نتیجه‌گیری: نتایج این تحقیق به وضوح نشان می‌دهد که حقوق بین‌الملل باید به سمت مدیریت پایدار منابع آبی حرکت کند. همچنین، لازم است که کنوانسیون ۱۹۹۷ مورد بازنگری قرار گیرد تا به‌عنوان یک چارچوب جامع برای استفاده بهینه و منصفانه از منابع آبی بین‌المللی عمل کند. پیشنهاد می‌شود که جامعه بین‌المللی اسناد جدیدی را برای حل چالش‌های موجود در مدیریت منابع آبی ایجاد کند تا به‌طور مؤثری منازعات و مشکلات مربوط به منابع آبی مشترک را حل‌وفصل کند.

کلمات کلیدی: منابع آبی مشترک، حقوق بین‌الملل، کنوانسیون ۱۹۹۷، مدیریت منابع آبی، پایداری، معاهدات بین‌المللی.

مقدمه

۱- بیان موضوع

آب نه تنها برای بقای انسان‌ها بلکه برای سایر جانداران بر روی این سیاره حیاتی است. با توجه به تغییرات طبیعی و غیرطبیعی که در این سیاره در حال رخ دادن است، مسائل مربوط به آب، در سال‌های اخیر جایگاه بسیار مهمی را در سطح بین‌الملل به خود اختصاص داده است. طبق گزارشی که توسط بانک جهانی^۱ در انتهای قرن گذشته ارائه شده است، بسیاری از جنگ‌های رخ داده در قرن بیستم پیرامون نفت بوده لکن جنگ‌های این قرن در ارتباط با آب خواهد بود.^۲ همین دیدگاه در گزارشی که توسط سازمان ملل پیرامون وضعیت منابع آبی جهان منتشر شده است مورد تأکید قرار گرفت.^۳ تلاش بسیاری به عمل آمد که به منظور برجسته نمودن این موضوع، کنفرانسی جهانی در سطح وزرا در مارس ۲۰۰۰ در لاهه برگزار شود و متعاقب آن نیز کنفرانس جهانی آب برگزار گردید. با نگاهی سطحی به برخی عناوین روزنامه‌ها می‌توان به نگرانی‌های بسیاری که در رابطه با کمبود منابع آبی وجود دارد پی برد. برخی از این عناوین به شرح ذیل است:

- ۱- آب در حال پایان یافتن است.^۴
- ۲- بمب آبی در حال شکل گرفتن است.^۵
- ۳- سازمان ملل جهت اجتناب از جنگ بر سر منابع آبی وارد عمل شده است.^۶

مسائل مربوط به آب شیرین، در گوشه کنار دنیا در حال تبدیل شدن به معضلی حاد می‌باشد^۷ و ممکن است به عنوان

تهدیدی نسبت به صلح بین‌الملل و امنیت در نقاط خاصی مانند خاورمیانه، آسیای جنوبی و آفریقای شمالی تبدیل گردد. رودخانه‌ها مهمترین منبع تأمین آب شیرین می‌باشند. در دنیا حدود ۲۶۰ رودخانه وجود دارد که مشترک میان دو یا چند کشور می‌باشند از این رو اگر مخاصماتی میان کشورها پیرامون آب شیرین رخ دهد، احتمالاً مربوط به آب‌های رودخانه‌های بین‌المللی خواهد بود.

بسیاری از رودخانه‌های موجود در دنیا به عنوان منابع آبی غیر قابل بهره برداری می‌باشند و بسیاری دیگر نیز چنانچه براساس رهنمون کمیسیون جهانی آب^۸، اقدامی در مورد آن صورت نپذیرد، بیش از آن که مایه آرامش و نجات بخشی باشد، دردسر ساز خواهند بود. بیش از نیمی از آب‌های رودخانه‌های مهم دنیا شدیداً آلوده بوده و در حال آسیب رساندن به اکو سیستم منطقه خود و سمی کردن آن می‌باشند از این رو سلامت و حیات انسان‌هایی را که موجودیت آن‌ها بدان بستگی دارد شدیداً به خطر انداخته و آب را فاقد برخی مصارف شرب و صنعتی آن می‌نماید. کمیسیون مزبور می‌افزاید: بسیاری از منابع آبی در حال به اتمام رسیدن می‌باشند زیرا نیاز به مصرف آب شدیداً افزایش پیدا کرده است این وضعیت زمانی بحرانی‌تر خواهد شد که مصارف مربوط به تأمین غذا، نوشیدن آب و مصارف مربوط به ارتقا سطوح اقتصادی ۲ میلیارد نفر تا سال ۲۰۰۵ را نیز به آن بیفزائیم.^۹ طبق نظر کمیسیون مزبور، کمبود جهانی آب، در طول ۲۵ سال آینده آن چنان صحنه دلخراشی را بوجود خواهد آورد که ۲/۳ ساکنان این سیاره با قحطی آب روبرو خواهند شد.^{۱۰}

environment and security, Stockholm environmental institute)(OUP Oxford 1993)

^۸. World Water Commission

^۹. Press Released of the world water commission *World water vision* 29 November 1999

^{۱۰}. این پیش بینی توسط کمیسیون جهانی آب در گزارشی که به مناسبت روز جهانی آب در ۲۲ مارس ۲۰۰۰ میلادی منتشر نموده است ارائه گردید.

^۱. World Bank

^۲. Environmental Policy and Law 1995 s25(6)

^۳. United Nations, "Comprehensive assessment of freshwater resources of the world"(1997)

^۴. *The Independent* (London) 25 January 1997 [2]

^۵. "No Water World" *The Guardian* (London) (part 2) 8 August 1995 [2]

^۶. "An Appeals For Action To Avert Wars Over Water" *The Times* (London) 23 June 1997 [13]

^۷. Peter H. Gleick, "Water In Crisis: A guide to the world's fresh water resources"(Pacific Institute for studies in development,

رودخانه‌های بین‌المللی استناد می‌نمودند. در سال ۱۸۹۵، دادستان وقت ایالات متحده - آقای هارمون^۸ - در حمایت از ایالات متحده در مورد اختلاف آبی با مکزیک به دکتترین حاکمیت مطلق^۹ استناد نمود. با این وجود اگر یکی از دولت‌های ساحلی به دکتترین حاکمیت مطلق جهت توجیه استفاده بیش از سهم منصفانه خود از آب رودخانه‌های بین‌المللی به ضرر کشور دیگر ساحلی استناد کند، کشور مزبور نیز می‌تواند به دکتترین تمامیت ارضی^{۱۰} خود جهت استفاده از سهم منصفانه خود از آب رودخانه مشترک با کشور دیگر و تأمین نیازهای موجود و بالقوه خویش استناد بعمل آورد.

اختلاف موجود میان این دو دکتترین باعث اعمال اصل "استفاده برابر و بهره‌بری مساوی"^{۱۱} منابع آبی رودخانه‌های بین‌المللی میان کشورهای ساحلی گردید. این همان اصلی است که سنگ بنای حقوق کنونی حاکم بر آبراهه‌های بین‌المللی را تشکیل می‌دهد.^{۱۲} آن‌گونه که از پرونده‌های مختلف حقوقی مربوط به آب‌های بین‌المللی که توسط محاکم داخلی و یا دادگاه‌های بین‌المللی مختلف پیش از دهه ۱۹۵۰ مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند بر می‌آید، آراء قضائی نسبت به اعمال این اصل و کنار گذاشتن دکتترین حاکمیت مطلق و دکتترین تمامیت ارضی در هنگام حصول اختلاف میان کشورها تمایل زیادی از خود نشان داده‌اند. ظهور حقوق بین‌الملل در سایر حوزه‌های مربوط به محیط زیست تأثیری مهمی را در این حوزه از حقوق بر جای داشته و از این رو، هم اکنون شاهد اصل "بهره‌وری و توسعه پایدار"^{۱۳} آبراهه‌های بین‌المللی می‌باشیم. علاوه بر این ما شاهد اصل

در این مقاله ما سعی خواهیم داشت به بررسی تلاش‌های صورت گرفته پیرامون این مسأله در عرصه حقوق بین‌الملل بپردازیم زیرا نخستین کارکرد حقوق بین‌الملل مدیریت مخاصمات و بیش از هر چیزی، جلوگیری از تنازع و جنگ می‌باشد.

۲- روش پژوهش

پژوهش اصلی به صورت توصیفی - تحلیلی بوده است.

بحث و نظر

۱- شکل گیری "حقوق آبراهه‌های بین‌المللی"

تشکیل حقوق بین‌الملل در حوزه اشتراک^۱، مصرف^۲، مدیریت^۳ و توسعه^۴ آب‌های آبراهه‌های بین‌المللی بین دولت‌های ساحلی^۵ در سال ۱۹۹۷، با تصویب "کنوانسیون حقوق مربوط به استفاده‌های غیر کشتی‌رانی از آبراهه‌های بین‌المللی"^۶ توسط هیأت عمومی سازمان ملل به مرحله جدیدی وارد گردید.^۷

تا دهه ۵۰ میلادی حقوق بین‌المللی اندکی پیرامون آبراهه‌های بین‌المللی وجود داشت و اعلامیه‌های اندکی که عمدتاً مربوط به مناطق جغرافیایی یا قطع نامه‌های سازمان‌های غیردولتی بود نیز صادر گردید لکن نتوانست جنبه جهانی به خود بگیرد. دولت‌ها به اصول متفاوتی از حقوق بین‌الملل جهت توجیه ادعاهای خود نسبت به آب‌های

¹. Sharing

². Utilizing

³. Management

⁴. Development

⁵. Riparian States

⁶. Convention on the law of the Non-Navigational uses of inter national watercourses

^۷. کنوانسیون مزبور در ۲۱ می ۱۹۹۷ طبق مصوبه شماره ۲۲۹/۵۱ هیأت عمومی مورد تصویب قرار گرفت. ۱۰۳ کشور به این کنوانسیون رأی مثبت دادند و تنها ۳ کشور (چین، ترکیه و برونیدی) نسبت به آن رأی مخالف خود را ابراز داشتند. ۲۷ کشور نیز (آندورا، آروانتین، آذربایجان، بلژیک، بولیوی، بلغارستان، کلمبیا، کوپا، اکوادور، مصر، اتیوپی، فرانسه، غنا، گواتمالا، هند، اسرائیل، مالی، موناکو، موناگولیا، پاکستان، پاناما، پاراگوئه، پرو، رواندا، اسپانیا، تانزانیا و ازبکستان) رأی متنع دادند.

⁸. Harmon

⁹. The Doctrine of Absolute Sovereignty

¹⁰. The Doctrine of Territorial Integrity

¹¹. Equitable Utilization

^{۱۲}. مقررات هلسنکی مصوب ۱۹۹۶ و کنوانسیون سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۹۷ پیرامون حقوق حاکم بر آبراهه‌های بین‌المللی از این اصل به عنوان هسته مرکزی رژیم حقوقی حاکم بر آبراهه‌های بین‌المللی یاد نموده‌اند.

¹³. Sustainable Development And Utilization

مربوط به تصویب رسید. هنگامی که گزارش ILC به همراه پیش نویس مزبور به هیأت عمومی سازمان ملل ارائه گردید بنابر توصیه ۶ کمیته قانونی سازمان تصمیم گرفته شد تا کار گروهی خاص به تهیه کنوانسیونی در این رابطه براساس پیش نویس ILC مأمور گردند.^۸ نهایتاً براساس توصیه کار گروه مزبور: هیأت عمومی سازمان ملل در ۲۱ می ۱۹۹۷ کنوانسیون مزبور را به تصویب رساند.^۹

بنابراین، کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل به عنوان نتیجه تلاش‌های بین‌المللی صورت گرفته در ۴ دهه پیش از آن ظهور خارجی پیدا نمود. از آنجا که می‌دانیم که معاهدات بین‌المللی به گونه‌ای تنظیم می‌شوند که فعالیت‌های دولت‌ها را در مورد نحوه مصرف آبراهه‌های بین‌المللی تحت تأثیر قواعد خود قرار دهند فلذا پیشنهاد شده است که به بررسی این نکته پرداخته شود که اصول کنوانسیون سازمان ملل تا چه حدی در حل مشکلات موجود و یا بالقوه مربوط به اشتراک، مدیریت، بهره‌وری و توسعه منابع آبی حوزه رودخانه‌های مهم بین‌المللی در جهان تأثیرگذار و مؤثر می‌باشد.

۲- مقررات ناظر بر تقاضاهای متعارض پیرامون آب ذیل کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل

اگر چه کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل به گونه‌ای تنظیم شده که در بدو امر اصول و مبانی حاکم بر استفاده از آبراهه‌های بین‌المللی را میان کشورهای ساحلی بیان می‌نماید، لکن متضمن مقررات مهمی جهت حفاظت از این آبراهه‌ها از آلودگی و سایر فعالیت‌های خطرناک نیز می‌باشد. همچنین در آن مقرراتی به چشم می‌خورد که حفظ آب و جانداران آبی در آن را مد نظر قرار داده است. ماده ۵ کنوانسیون، ناظر بر استفاده معقول و برابر از آب‌های آبراهه‌های بین‌المللی میان کشورهای ساحلی آن می‌باشد. همچنین طبق این ماده، دولت‌های ساحلی موظف هستند که به منظور استفاده دائمی از آب‌های مزبور به توسعه و مدیریت این آبراهه‌ها بپردازند.

ممنوعیت آلوده نمودن آب‌ها، اصل برابری نسلها در استفاده از منابع آبی^۲ و غیره می‌باشیم. اگر بخواهیم پیشرفت‌های اخیر صورت گرفته در این حوزه را با دقت بیشتری مشاهده نمائیم، باید نگاهی به حکم دادگاه ICJ پیرامون اختلاف میان دو کشور اسلوواکی و مجارستان،^۳ که در آن قضات عقائد و آراء متفاوتی را از خود بروز داده‌اند داشته باشیم.

تلاش‌ها جهت توسعه پایدار و همچنین قانون‌مند کردن حقوق حاکم بر آبراهه‌های بین‌المللی از آغاز دهه ۱۹۱۰ و در قالب مؤسسه حقوق بین‌الملل (ILI) شروع شد و با تصویب اعلامیه‌ای در ۱۹۱۱ به نتیجه رسید.^۴ هنگامی که مؤسسه مزبور در ۱۹۵۶ دوباره به این مسأله توجه نشان داد، این بار اعلامیه ۱۹۶۱ که از لحاظ تاریخی دارای اهمیت می‌باشد به تصویب رسید.^۵ کار ILI توسط انجمن حقوق بین‌الملل تکمیل گردید و به تصویب مقررات معروف هلسینکی در ۱۹۶۶ انجامید.^۶ تلاش‌های این دو نهاد حرفه‌ای در زمینه حقوق بین‌الملل توسط هیأت عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۷۰ مورد گسترش قرار گرفت و در این سال پیشنهاد شد که کمیسیون حقوق بین‌الملل (ILC) مطالعه حقوقی پیرامون مصارف غیر کشتیرانی از آبراهه‌های بین‌المللی^۷ را آغاز نماید. بر این اساس ILC فعالیت خود را در این رابطه در سال ۱۹۷۴ آغاز نمود.

بعد از چندین دور مذاکرات و ارائه چندین گزارش توسط مخبر مخصوص کمیسیون، ILC فعالیت خود را در این رابطه در سال ۱۹۹۴ به پایان رساند. در این سال پیش نویس قانونی

^۱. Prevention of the pollution of water

^۲. Intergenerational Equity

^۳. Hungary v. Slovakia 37 ILM 162(1998)

^۴. "International Regulations regarding the use of international watercourses" VOL. 24, Madrid session, April 1911

^۵. ILI Regulation on the "Use of international Non-maritime rivers" Helsinki 20 august 1966

^۶. The ILA Helsinki rules on the "Uses of the waters of international rivers" Helsinki 20 august 1966

^۷. GA Resolution 2669(XXV) of 8 December 1970

^۸. GA Resolution 49/52 of 9 December 1994

^۹. با ۱۴۳ رأی موافق، بدون هیچ رأی مخالف و ۸ رأی ممتنع

در این راستا باید حفاظت مناسب از این منابع آبی مورد تضمین دولت‌ها قرار گیرد.

هنگامی که استفاده از آبراهه‌ها مورد توافق قرار می‌گیرد، دولت‌های ساحلی، باید عوامل غیر آلاینده را که در ماده ۶ کنوانسیون به آن اشاره شده است مدّ نظر قرار دهند. همچنین دولت‌های ساحلی متعهد هستند که به هنگام استفاده از آب‌های بین‌المللی در قلمرو حاکمیت خود، سبب ورود خسارت به دیگر دولت‌های ساحلی را فراهم نیاورند. کنوانسیون، کشورهای ساحلی را ملزم می‌نماید تا با سایر کشورهای ساحلی در زمینه حاکمیت برابر بر آبراهه‌ها، حفظ تمامیت ارضی^۲، استفاده متقابل^۳ از آن و نشان دادن حسن نیت^۴ همکاری نمایند و بدین طریق قابلیت بهره‌وری پایدار رودخانه و حفاظت از آن در مقابل آلودگی را تضمین نمایند. کنوانسیون همچنین کشورهای ساحلی را متعهد می‌سازد تا در حفظ و نگهداری اکو سیستم مربوط به آبراهه‌ها و آبریان آن نهایت تلاش خود را بعمل آورده و از آلوده شدن آب‌های آن ممانعت و یا حداقل کنترل بعمل آورند.

با این وجود، کنوانسیون ۱۹۹۷ از همان ابتدا اعلام داشته که مقررات این کنوانسیون تأثیری بر حقوق و تعهدات کشورهای ساحلی آبراهه‌های بین‌المللی، که ناشی از توافق میان آن‌ها است نخواهد داشت. بنابراین هر چقدر که ما در توسعه هنجارهای بین‌المللی مربوط به استفاده از آبراهه‌های بین‌المللی به پیش رفته باشیم، لکن حقوق حاکم بر اغلب آبراهه‌های بین‌المللی مبتنی بر توافقات دو یا چند جانبه میان کشورهای ساحلی آن می‌باشد. این وضعیت، نتایجی چند را به دنبال خواهد داشت. به عنوان مثال حتی در زمانی که مقررات توافق نامه دو یا چند جانبه میان کشورهای ساحلی مطابق با اصل استفاده معقول و برابر^۵ مذکور در کنوانسیون

۱۹۹۷ سازمان ملل نمی‌باشد، وضعیت موجود طبق توافق نامه فیمابین پیش خواهد رفت و دولت‌های متضرر همچنان در زیان باقی خواهند ماند.

دولت‌ها، از آبراهه‌های خود جهت اهداف متعددی استفاده می‌نمایند. مهم‌ترین گونه‌های استفاده از این آبراهه‌ها عبارتند از:

- ۱- استفاده‌های خانگی و بهداشتی.
- ۲- مصارف مربوط به کشتیرانی.
- ۳- مصارف مربوط به تولید نیرو.
- ۴- مصارف مربوط به آبیاری.

در واقع ماده ۶ مقررات هلسینکی مصوب ۱۹۶۶ در رابطه با مصارف آب رودخانه‌های بین‌المللی بیان می‌دارد که نوع خاصی از مصرف آب، بر نوع دیگری از مصرف دارای ترجیح ذاتی^۶ نمی‌باشد. مثلاً استفاده از آب جهت مصارف بهداشتی ترجیح ذاتی نسبت به استفاده از آن در مصارف تولید نیرو نخواهد داشت. مقرراتی نظیر همین مورد نیز در ماده (۱) ۱۰ کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل به چشم می‌خورد:

۱- در صورت فقدان وجود توافق نامه و یا عرف مورد قبول در نحوه استفاده از آب رودخانه‌های بین‌المللی، هیچکدام از انواع مصارف قابل تصور از آن بر دیگر انواع مصارف مزیت ذاتی نخواهد داشت.

۲- در صورت بروز اختلاف در مورد نحوه مصرف آبراهه‌های بین‌المللی، حل اختلاف طبق مواد ۵ تا ۷ کنوانسیون و با امان نظر به تأمین نیازهای حیاتی انسان بعمل خواهد آمد.^۷

ارجاع به ماده ۵ تا ۷ کنوانسیون جهت حل اختلافات، در واقع ارجاع به اصل استفاده معقول و برابر از منابع آبی (ماده ۵)، عوامل مرتبط با استفاده معقول و برابر (ماده ۶) و تعهد به عدم ایجاد خسارت متهم به طرف مقابل (ماده ۷) می‌باشد. در بیانیه‌ای که پیرامون مواد خاصی از کنوانسیون توسط ریاست

¹. Sovereign Equality

². Territorial Integrity

³. Mutual Benefit

⁴. Good Faith

⁵. Equitable and Reasonable Utilization

⁶. Inherent Preference

⁷. 36 ILM 700 (1997) [707]

مشکلات ناشی از آب و اشتراک منابع آبی میان چندین کشور، توجه خاص نشان دهیم. ممکن است یکی از دولت‌های ساحلی، عضو کنوانسیون ۱۹۹۷ نباشد لکن رضایت خود را جهت اعمال اصول این کنوانسیون در قالب تصویب سایر اسناد بین‌المللی اعلام کرده باشد. اگر تعهدات دولت‌ها بصورت کلی و نه فردی مورد لحاظ قرار گیرد آنگاه سایر مقررات موجود در حقوق بین‌الملل، دولت مزبور را ملزم به پذیرفتن اصول کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل می‌نماید.

۳- نگاهی فراسوی کنوانسیون سازمان ملل

اصل توسعه پایدار و حق پاکیزه‌وسالم بودن محیط‌زیست باید توسط دولت‌های ساحلی مورد رعایت قرار گیرد. همچنین این دولت‌ها موظف هستند تا به اصل استفاده منصفانه و برابر از آب‌های رودخانه‌های بین‌المللی متعهد باقی بمانند. در رابطه با آبراهه‌های بین‌المللی مشترک میان چند کشور، اصل توسعه پایدار، دولت ساحلی را ملزم می‌نماید که تمام تلاش خود را جهت ۱- توسعه منابع آبی آبراهه مزبور، ۲- حفظ و نگهداری اکو سیستم رودخانه و آبریان آن و ۳- پیشگیری، کاهش و کنترل آلودگی رودخانه‌های بین‌المللی بکار گیرد.

اصطلاح «توسعه پایدار» در دهه ۸۰ میلادی وارد فرهنگ حقوق بین‌الملل و همچنین مناسبات بین‌المللی شده است. با این وجود با آغاز دهه ۱۹۹۰، این اصطلاح تبدیل به هدف سیاسی عمده‌ای در جامعه بین‌الملل گردید. در طول دهه مزبور «توسعه پایدار» تبدیل به «قاعده‌ای نرم»^۳ در حقوق بین‌الملل محیط زیست^۴ گردید^۵ و در اعلامیه ۱۹۹۲ ریو^۶ و تعداد دیگری از معاهدات بین‌المللی مربوط به محیط زیست بکار گرفته شد. در واقع این اصطلاح تبدیل به اصلی گردید که جنبه‌های توسعه‌مدار حقوق اقتصادی بین‌الملل^۷ را با

کارگروه سازمان ملل جهت تدوین کنوانسیون انتشار یافت، پیرامون اصطلاح «نیازهای حیاتی انسان»^۱ توضیحاتی ارائه گردید: «مقصود از تأمین آب به اندازه نیازهای حیاتی انسان، آن میزان آبی است که جهت بقا حیات انسان (جهت نوشیدن آب و تولید غذا به منظور جلوگیری از قحطی) ضروری می‌باشد»^۲.

با توجه به این که حقوق حاکم بر آبراهه‌های بین‌المللی هیچ گونه الویتی را میان مصارف مختلفی که از آب‌های رودخانه‌های بین‌المللی متصور است مشخص نکرده، فلذا دولت‌های ساحلی باید در این رابطه به توافق نامه‌های موجود پیرامون نحوه مصرف آب‌های رودخانه‌های بین‌المللی مراجعه نمایند. با این وجود، چندین ناحیه در دنیا وجود دارد که توافق نامه‌های دو یا چند جانبه میان کشورهای ساحلی نتوانسته است راه حل قابل قبولی را در مورد مسائل مربوط به آبراهه‌های مشترک ارائه نماید. آن دسته از دولت‌هایی که خود را متضرر دیده‌اند، اعتبار بسیاری از این معاهدات را زیر سؤال برده‌اند. اندیشه بزرگی که پشت تدوین قانونی جدید خوابیده است، ایجاد تغییر در وضعیت موجود می‌باشد. با این وجود به نظر نمی‌رسد که حقوق جدیدی که با تصویب کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل بر آبراهه‌های بین‌المللی حاکم شده است سبب تغییر در وضعیت موجود تا حد زیادی شده باشد. اگر چه دادگاه‌ها و محاکم بین‌المللی متمایل هستند تا اصول کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل را به خاطر ویژگی حقوق عرفی خود قابل اجرا و تأثیرگذار نمایند لکن اثر این کنوانسیون بر کشورهای غیر عضو و سایر موافقت‌نامه‌هایی که پیش از تصویب این کنوانسیون منعقد شده‌اند احتمالاً بسیار محدود خواهد بود.

نتیجتاً اینکه علاوه بر کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل باید تصویر ذهنی بزرگی را از مسائل حقوقی حاکم بر آبراهه‌های بین‌المللی در پیش روی خود داشته باشیم و به معاهدات و اسناد بین‌المللی (نظیر مقررات و قواعد حاکمه) مربوط به

^۳. Soft Law

^۴. International Environmental Law

^۵. A. Boyle and D. freestone (ed.), International law and Sustainable Development (OUP Oxford 1999)

^۶. Rio Declaration

^۷. International Economic Law

^۱. Vital Human Needs

^۲. 36 ILM 719 (1997)

ملاحظات توسعه‌مدار در مورد محیط زیست ترکیب می‌نماید. در این راستا اصل مزبور به دنبال تلفیق میان تمایل دولت‌ها به توسعه از یک سو و نیاز به حفظ محیط زیست به موازات اجرای طرح‌های توسعه‌ای از سوی دیگر می‌باشد.

اصول ۲ و ۴ اعلامیه ۱۹۹۲ ریو، سعی دارند ملاحظات مربوط به محیط زیست و عامل توسعه پایدار را در برنامه توسعه اقتصادی بگنجانند. این دو اصل، متضمن منافع و نگرانی‌های هر دو قسم کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه می‌باشد، از این رو جای تعجب نیست که برخی، اعلامیه ریو را «توازن ظریف منافع»^۱ توصیف کرده‌اند. از این رو، توازن را که جامعه بین‌الملل، سعی در تحصیل آن از طریق گنجانیدن اصل توسعه پایدار، میان توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست دارد مربوط به مسائلی می‌شود که در ارتباط با بهره‌وری از آبراهه‌های بین‌المللی می‌باشد. همچنین حق برخورداری از محیط زیست سالم و پاکیزه که در اعلامیه‌های ریو و استکهلم مورد اشاره قرار گرفته است، در مورد بهره‌مندی از آب پاک و سالم نیز جاری می‌باشد. در واقع، حق حیات که اساسی‌ترین حق انسان است، متضمن حق برخورداری از آب پاکیزه و سالم می‌باشد زیرا حیات بدون آن پایدار نخواهد بود. همچنین اگر حق برخورداری از آب سالم و پاکیزه، حق مشروع به شمار آید، آنگاه دولت ساحلی حق ندارد مرتکب اعمالی شود که موجبات از بین رفتن حق مزبور برای ساکنان دیگر دولت‌های ساحلی را فراهم آورد. این تعهد، مستند به اصل استفاده برابر و منصفانه از آب رودخانه‌های مشترک می‌باشد هر چند که دولت مزبور اساساً عضو کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل به شمار نیاید. این تعهد مشترک در میان کشورهای ساحلی یک رودخانه، وظیفه توسعه جمعی منابع آبی حوزه رودخانه مزبور را نیز ایجاد می‌نماید. بر همین اساس حفظ و نگهداری اکو سیستم رودخانه و آبریان آن و همچنین کاهش، کنترل و جلوگیری از آلودگی آبراهه با همکاری مشترک این دولت‌ها قابل اجرا خواهد بود.

سؤال دیگری که باید مورد بررسی قرار بگیرد این است که آیا حق بهره‌مند شدن از آب، یک حق یک طرفه و فردی است یا حق جمعی و بین‌المللی می‌باشد. به عبارت دیگر آیا این حق دولت‌ها است؟ به فرض برخورداری جوامع از آب سالم، چنانچه منابع کافی جهت تأمین آب سالم مورد نیاز وجود نداشته باشد، به نیازهای متعارض چگونه باید پاسخ گفت؟ همچنین اگر حق برخورداری از آب سالم، حق دولت باشد، دولت مزبور چگونه حق خود را اعمال می‌نماید و این حق به ضرر چه کسی اعمال خواهد شد؟ این‌ها مشکلاتی است که دولت‌ها و جوامع بین‌الملل در این دنیای رو به رشد با آن روبرو می‌باشند. از آنجا که کنوانسیون ۱۹۹۷ نیویورک در قلمرو خود، محدود می‌باشد، فلذا این مسائل و سایر مسائل فرعی در این رابطه، به درستی مورد توجه و عنایت اسناد حقوق بین‌الملل قرار نگرفته‌اند.

۴- از مدیریت نیازها تا مدیریت منابع

از دیرباز، نقطه اصلی تمرکز حقوق حاکم بر آبراهه‌های بین‌المللی، طراحی قواعد و مقرراتی بود تا در پرتو آن کشورهای ساحلی بتوانند به اندازه معقول و برابر از آب‌های موجود استفاده نمایند. دولت‌ها تعهدی ندارند که میزان مصرف آب خود را در بهترین وضعیت ممکن^۲ اعلام نمایند. کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل باید مفهوم «استفاده پایدار» را به موازات اصل بهره‌وری معقول و متعارف مورد اشاره قرار می‌داد. این عنصر (پایدار بودن استفاده از منابع آبی) در بسیاری از معاهدات دو طرفه نیز به چشم نمی‌خورد. معاهده‌ای که در سال ۱۹۹۶ میان هند و بنگلادش در مورد رودخانه گنگ منعقد گردید، نمونه‌ای از این معاهدات به شمار می‌آید. در ضمن، به دنبال جنگل زدائی‌هایی که در تپه‌های نپال و مناطق شمالی هند بعمل آمد، توانایی نگهداری آب توسط قشر سطحی خاک به میزان زیادی کاسته شد. در نتیجه هر مقدار که در این ناحیه شاهد بارش باران باشیم، بلافاصله وارد رودخانه گنگ شده و نهایتاً با وارد شدن در خلیج بنگال در فصول باران‌زا، موجب سرازیر شدن سیل و ایجاد خسارت در دشت‌های نپال، هند و بنگلادش می‌شود. با

^۲. At the Optimum Level

^۱. Delicately Balanced Interests

نتیجه گیری

کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل، اساساً جهت مدیریت نیازها و نه مدیریت منابع مورد طراحی و تصویب قرار گرفته است. حقوق حاکم بر مدیریت آب به عنوان یک مدیریت منبع محور بسیار ضعیف می باشد و این همان نقطه ای است که مشکلات از آن ناشی می شوند. در حال حاضر تأکید حقوق، بر بهره‌وری و استفاده از آب و جلوگیری از ایجاد منازعات در مصرف آب رودخانه‌های بین‌المللی می باشد و توجه خاصی به حفظ اکو سیستم بی نظیر آن نمی گردد.

مدیریت آب، می توانست با اتخاذ سیاستی مرکب از مدیریت نیازها و مدیریت منابع، به بهترین نحو انجام پذیرد. ماده ۲۰ کنوانسیون سازمان ملل کشورهای حوزه رودخانه را ملزم نموده که به طور فردی و در صورت مناسب بودن وضعیت، به طور مشترک به حفظ و نگهداری اکو سیستم آبراهه‌های بین‌المللی بپردازند. نظیر همین امر، در ماده‌های ۲۱ الی ۲۶ کنوانسیون، پیرامون کاهش، کنترل و جلوگیری از آلودگی آب‌ها و مدیریت آبراهه‌های بین‌المللی مورد اشاره قرار گرفته است.^۵

با این وجود قواعد مزبور به شکل مبهم^۶ و در قالب الفاظ ارشادی^۷ و نه الزام قانونی^۸ بیان شده‌اند. از این رو بسیاری از دولت‌ها از همکاری در طرح مدیریت ارتقاء و توسعه منابع آبی منطقه خود طفره می‌روند.

در مقام نتیجه گیری این طور می توان گفت که حقوق بین‌الملل نه تنها دارای نقش مدیریت و پیشگیری از وقوع منازعات میان کشورها در رابطه با مسائل آب را بر عهده دارد بلکه عهده‌دار وظیفه مدیریت آب جهت مصرف پایدار نیز می باشد. تاکنون، وظیفه حقوق بین‌الملل، یافتن راهی جهت جلوگیری از وقوع منازعات مربوط به آب از طریق وضع

این وجود، با نزدیک شدن فصول خشک، آب اندکی در رودخانه گنگز به جریان می افتد که پاسخگوی نیازهای دو کشور هند و بنگلادش نخواهد بود. به همین دلیل، این دو کشور از زمان انعقاد موافقت‌نامه ۱۹۹۷، همواره پیرامون افزایش میزان آب رود گنگ در فصول خشک، در حال مذاکره می باشند و در ماده ۸ معاهده جدید نیز به آن اشاره کرده‌اند.^۱ در طول ۳۰ سال گذشته این کشورها، استراتژی مهمی را در این رابطه اتخاذ ننموده‌اند این نقطه از دنیا، همان جایی است که رشد جمعیت همانند رشد صنعت تبدیل به یک پدیده خارق‌العاده در طی چند دهه اخیر شده و این روند احتمالاً همچنان پایدار خواهد ماند. رودخانه گنگ و شاخه‌های فرعی آن باید پاسخگوی این نیازهای در حال رشد باشند.

آنچه که مایه تأسف است فقدان وجود طرح‌های بلند مدت جهت بالا بردن میزان آب رودخانه گنگ و یا ارتقاء سطح کیفی آب در این نقطه از دنیا می باشد. هرگونه طرحی که در رابطه با بهره‌وری و استفاده مطلوب از رودخانه‌های این منطقه، بدون توجه کافی به مفهوم بهره‌وری پایدار از آب رودخانه‌های این ناحیه ارائه شود، محکوم به شکست خواهد بود. تاکنون معاهدات بسیاری میان نپال و هند یا هند و بنگلادش امضاء شده است که همگی در رابطه با بهره‌وری و استفاده بهینه^۲ از منابع موجود آبی می باشد ولی در هیچکدام متأسفانه شاهد طرح‌هایی جهت پایدار کردن منابع آبی، ارتقاء سطح کیفی آب‌های این منطقه و توجه به مسائل زیست محیطی این منطقه که در دراز مدت بر منابع آبی آن تأثیرگذار می باشد نمی باشیم. این دو معاهده مصداق بارزی از مدیریت نیاز محور^۳ بوده و نشانه‌ای از مدیریت منابع^۴ در آن به چشم نمی خورد. در حالی که ما بیش از مدیریت نیازها، نیازمند مدیریت منابع می باشیم.

^۵. Nicholas A. Robinson (ed.) agenda 21 & the UNCED proceeding Vol. IV (Oceana New York 1993) [358]

^۶. Vague

^۷. Hortatory Language

^۸. Legal Requirement

^۱. 36 ILM 525 (1997)

^۲. Optimal Utilization

^۳. Demand Management

^۴. Resource Management

سوق دهد. همچنین می‌توان انتظار داشت که سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، در سیاست‌گذاری‌های خود پیرامون مدیریت، حفظ و توسعه آب‌های رودخانه‌های بین‌المللی در سراسر دنیا، از مقررات ILA که در سال ۲۰۰۴ در برلین مورد تصویب قرار گرفت تبعیت کرده و الگو پذیرند.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل ترجمه حاضر، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تعارض منافع: در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: این مقاله ترجمه فصل اول از کتاب مجموعه مقالات حقوق آبراهه‌های بین‌المللی به تألیف سوریا پی سویدی^۱ است که در سال ۲۰۰۷ توسط انتشارات آشگیت^۲ منتشر شده است.

تشکر و قدردانی: ابراز نشده است

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین کننده مالی بوده است.

منابع و مأخذ

- "An Appeals for Action To Avert Wars Over Water" *The Times* (London) 23 June 1997[13]
- Peter H. Gleick, "Water in Crisis: A guide to the world's fresh water resources" (Pacific Institute for studies in development, environment and security, Stockholm environmental institute) (OUP Oxford 1993)
- Press Released of the world water commission *World water vision* 29 November 1999
- Convention on the law of the Non-Navigational uses of international watercourses
- Hungary v. Slovakia 37 ILM 162(1998)

مقرراتی در رابطه با تقسیم آب میان دولت‌های ساحلی بوده است. تنها از طریق مدیریت منابع و نه مدیریت نیازهاست که می‌توان به نیازهای متعارض مربوط به مصرف آب میان دولت‌های ساحلی پاسخ گفت و میان حقوق مربوط به آب از یک سو و تأمین بلند مدت احتیاجات ساکنین ساحلی رودخانه توازن و تعادل ایجاد نمود. همان گونه که در پاراگراف‌های پیشین دیدیم، قواعد حقوق بین‌الملل در رابطه با منابع آبی مشترک بسیار ضعیف می‌باشد و اگر همین منوال دنبال شود احتمالاً نخواهد توانست پاسخگوی وضعیت کنونی در دنیا باشد.

کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل، مشتمل بر اصولی بنیادین از حقوق بین‌الملل است که بهره‌وری از آبراهه‌های بین‌المللی را مورد توجه قرار داده است. با این وجود، مقررات مزبور نیازمند بازنگری است تا بتواند رژیم حقوقی جامعی را نه تنها در رابطه با مصرف آب، بلکه مدیریت آن به عنوان یک منبع ارزشمند ایجاد نماید و نگرش خود را از نگاه اقتصادی به آب به نگاه اجتماعی به آن تبدیل کند.

تا زمانی که کنوانسیون ۱۹۹۷ نیویورک هنوز به موقع اجرا گذاشته نشده است و آینده قابل پیش‌بینی هم برای آن متصور نمی‌باشد، جهان هر روز با مشکلات حادثی پیرامون آب مواجه می‌گردد. زمان آن رسیده که جامعه بین‌الملل ابزار بین‌المللی جامع‌تری را جهت حل مشکلات مربوط به آب، از جمله: استفاده پایدار از آب، حق برخورداری از آب، کنترل آلودگی آب، حفظ منابع آبی و استفاده معقول و برابر از آب مورد تصویب و قبول قرار دهند. در واقع کمیته منابع آبی ILA مجموعه کاملی از مقررات مربوط به جنبه‌های مهم استفاده، مدیریت و حفظ منابع آبی را تنظیم نمود که در تابستان ۲۰۰۴ و در کنفرانس برلین مورد تصویب قرار گرفت. فعالیت مزبور نقش مهمی را در تکامل حقوق مربوط به آبراهه‌های بین‌المللی ایفا نموده است. می‌توان امید داشت که مقررات پیشنهاد شده توسط کمیته منابع آبی ILA موجبات تسهیل قانون‌گذاری در این زمینه را در آینده فراهم نماید و دولت‌ها را به سمت انعقاد موافقت‌نامه‌های دو جانبه یا منطقه‌ای پیرامون بهره‌وری و مدیریت در منابع آبی مشترک

¹ . Surya P. Subedi

² . Ashgate Publishing Company

- "International Regulations regarding the use of international watercourses" VOL.24, Madrid session, April 1911
- ILI Regulation on the" Use of international Non-maritime rivers" Helsinki 20 august 1966
- The ILA Helsinki rules on the" Uses of the waters of international rivers" Helsinki 20 august 1966
- A. Boyle and D. freestone (ed.), International law and Sustainable Development (OUP Oxford 1999)
- Nicholas A. Robinson (ed.) agenda 21 & the UNCED proceeding Vol. IV (Oceana New York 1993) [358]
- GA Resolution 2669(XXV) of 8 December 1970
- GA Resolution 49/52 of 9 December 1994
- "No Water World" *The Guardian* (London) (part 2)8 August 1995 [2]
- *The Independent* (London) 25 January 1997 [2]